محمود حبیبی:

باید معارف غدیر را با شعر میان مردم برد

■ معصومه طاهری

محمود حبیبی از شاعران و صاحبنظران مشهور کشور در شعر آیینی است که از مدعوین ویژه کنگره ضیافت شعر غدیر اصفهان بود. با این شاعر جوان که خود از داوران مطرح جشنواره‌های شعری کشور است در حاشیه ضیافت شعر غدیر اصفهان در باب فضای شعری کشور و مسئله غدیر گفت‌وگوی کوتاهی داشتیم که شما را به مطالعه آن دعوت می‌کنیم.

نظرتان درباره برپایی کنگره‌های آیینی از جمله همین کنگره شعر غدیر که به‌صورت مردمی در اصفهان راه‌اندازی شده، چیست؟

حرکت بسیار خوبی است به خصوص درباره عید غدیر که باید فرهنگ آن احیا شود و مسلماً هر کاری که در این زمینه انجام گیرد میمون و مبارک است خاصه در زمینه شعر و ادب که اولین رسانه غدیر هم است. جالب است بدانید که اولین رسانه‌ای که در غدیرخم پیامبر دستور دادند به تبیین، گسترش و تبلیغ آن پرداخته شود شعر بوده است. روز غدیر پیامبر به حسان بن ثابت دستور می‌دهند تا واقعه غدیر را منظوم کند و این نشان از قدمت و اثرگذاری بالای شعر و ادبیات است.

در روزگار ما پرداختن به واقعه غدیر به نسبت گذشته چگونه است؟

الحمدلله در عرصه شعر و ادب کارهای خوبی شده که جای تقدیر دارد.

جای چنین برنامه‌هایی مثل ضیافت شعر غدیر در کشور خالی نیست؟

نه، خالی نیست و مراسم شعر غدیر و کنگره‌های خوبی داریم. به نظر من چیزی که جای خالی‌اش احساس می‌شود آن است که باید شعر غدیر را میان مردم برد و معارف غدیر را به زبان شعر برای مردم بیان کرد و از این مراسم و کنگره‌ها پا را فراتر گذاشت و برای مردم سرود. اگر مردم تنها نامی از غدیر شنیده‌اند و آن را می‌شناسند به خاطر برنامه‌های اینچنینی است، باید این نوع برنامه‌ها بین مردم برود تا بهتر درک شود. گاهی کاری که چند کتاب انجام نمی‌دهد یک بیت شعر به راحتی و سادگی انجام می‌دهد و تبیین می‌کند لذا ادبیات آیینی به طور مشخص شعر غدیر موقعی موفق است که مخاطب مردمی داشته باشد تا همه مردم کوچه و بازار فضایل امام علی(ع) را بشنوند.

از نسل حاضر شاعران چقدر در این زمینه ورود داشته‌اند؟ و آیا میزان این ورود مناسب بوده است؟

شکر خدا در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به طور ویژه به مدح و مرثیه حضرات معصومین پرداخته شده است. شاید بتوانیم بگوییم در آسیب شناسی این قضیه به موضوع خود غدیر کمتر پرداخته شده است و شعر و مدح بیشتر برای خود شخص امام علی(ع) بوده است تا واقعه غدیر که باید بیشتر به این موضوع هم پرداخته شود. برخلاف ادبیات سنتی فارسی شاعران شیعی و حتی اهل سنت در دیوان‌های خود فضایل غدیر را داشته‌اند ولی امروز کمتر به این موضوع پرداخته شده که به نظرم نیاز به تحول کلی است.

به نظر می‌رسد در زمینه غدیر زیاد شعرهای ماندگار بین مردم نداریم تا زمزمه شود و ماندگار گردد نظر شما چیست؟

وقتی وارد یک عرصه خالی می‌شویم هر نوع کار با هر قدرت و ضعفی که دارد دیده می‌شود چه خوب باشد و چه بد، ولی در زمینه شعر آیینی به خصوص شعر غدیر که شاهکارهای ادبی زیادی داریم شاخص شدن به آن صورت که به قول شما ماندگار و زمزمه شود خیلی سخت است ولی با این حال شاید تعداد این آثار کم بوده باشد اما نمی‌توان گفت اثری ماندگار خلق نشده است بلکه آثار خوبی داریم که بین مردم ماندگار هم هستند ولی نماد غدیر کم بوده است.

چرا حتی یک بیت شعر هم از غدیر بین مردم ماندگار و شاخص نیست؟

چون شاعران بیشتر به مدح شخصیت امام علی(ع) پرداختند و اشعار و آثار زیادی داریم و کمتر به مسئله غدیر پرداخته شده است والا همانطور که گفتم اشعار و ابیات شاخص زیادی داریم که باید گفته و معرفی شوند.

زیباترین اثر ادبی درباره غدیر از نظر شما چیست؟

نمی‌توان گلچین کرد زیرا انصافاً سخت است اما شعر بیدل دهلوی در مدح امام علی (ع) زیباست یا قصیده شانی هم شنیدنی است (وجیه‌الدین نسف شانی تِکلو از شعرای عصر صفوی) آنجا که می‌گوید:

اگر دشمن کشد شمشیر و گر دوست
به طاق ابروی جانانه اوست...

رونمایی از مجموعه داستان شهدای غواص در نمایشگاه ملی دفاع مقدس

مجموعه داستان «کجا بودی الیاس» اثر مشترک جمعی از نویسندگان در ارتباط با شهدای غواص با حضور اهالی ادب رونمایی می‌شود.

هفتمین نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس از ۳ تا ۹ مهر عصرها از ساعت ۱۴ الی ۲۱ در طبقه دوم شبستان مصلی پذیرای حضور علاقه‌مندان فرهنگ و ادبیات دفاع مقدس است. در هفتمین نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس بیش از ۱۰۰ ناشر در ۱۳۰ غرفه به ارائه آثار در این حوزه می‌پردازند. مؤسسه فرهنگی -هنری شهرستان ادب با آثار درخشانی در حوزه دفاع مقدس در هفتمین نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس حضور به هم می‌رساند.

کتاب‌هایی همچون «دیلمزاد» (برگزیده جایزه کتاب سال دفاع مقدس) اثر محمد رودگر، «نشانه‌های صبح» اثر ابراهیم حسن‌بیگی، «در آفریقا همه چیز سیاه است» اثر ساسان ناطق، «پرتاپ»، «ریحان هایی که مادرم دوست داشت» اثر سیداکبر میرجعفری، «دخیل هفتم» اثر محمد رودگر، «نامت را بگذار وسط این شعر» اثر محمدرضا شرفی خبوشان، «دستخون» اثر علی محمد مودب، «از آخر مجلس» اثر میلاد عرفانپور و «کجا بودی الیاس» به مخاطبان عرضه خواهد شد.

همچین مؤسسه شهرستان ادب دو نشست تخصصی برای کتاب‌های «از آخر مجلس» اثر میلاد عرفانپور و مجموعه داستان «کجا بودی الیاس» اثر جمعی از نویسندگان حوزه دفاع مقدس برگزار خواهد کرد.

بازنشر روایت شاعرانه زندگی نیما یوشیج به کتابفروشی‌ها رسید

کتاب «شاعر و آفتاب» به قلم سیروس طاهباز از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان باز نشر شد.

«شاعر و آفتاب» روایت شاعرانه زندگی نیما یوشیج به قلم سیروس طاهباز بار دیگر از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد. این اثر داستانی، مخاطبان کودک را با زندگی علی اسفندیاری (نیما یوشیج) آشنا می‌کند. پسر کوچکی دوست دارد آفتاب را در دست بگیرد. او تمام تلاشش را می‌کند. از کنار جویبارها و از میان سنگ‌ها عبور می‌کند تا بتواند بر قله یک کوه با آفتاب صحبت کند.

دید آفتاب سرخ است. دید آفتاب زرد است. دید آفتاب رنگ درخت است. رنگ بهار و برگ است و رنگ دشت‌هاست آفتاب. پسر دید هر رنگی در آفتاب هست. هر چیزی را که می‌شناسد، در آفتاب هست. پسر با آفتاب حرف زد. آفتاب صدایش را شنید. بر اساس این گزارش، نویسنده این اثر سیروس طاهباز است. تصویرگری کتاب را هم بهمن دادخواه بر عهده داشته است. این کتاب که در قطع خشتی و در ۴هزار نسخه منتشر شده، مناسب گروه سنی «ب و ج» (۶ تا ۱۲ سال) و با قیمت ۳هزار و ۵۰۰ تومان قابل خریداری از تمام فروشگاه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سراسر کشور است.

ادعای مبارزه با گروه‌هایی که قصد تعطیلی سینما را دارند از شگردهای برخی مدیران سینمایی است

آقای ایوبی! لشکر ضدسینما وجود خارجی ندارد

■ جواد محرمی

از ابتدای انقلاب اسلامی دمیدن بر این گزاره که عده‌ای مخالف سینما هستند و ما جلوی اینها ایستاده‌ایم یکی از جدی‌ترین فضاسازی‌های مدیرانی محسوب می‌شود که در شرایط ضعف عملکرد اجرایی و تنگنای ارائه کارنامه بر این گزاره تأکید کرده‌اند. برای مخاطبان سینما نیز این ادعا که ما جلوی کسانی که از اساس مخالف وجود سینما هستند ایستاده‌ایم به خودی خود عملکرد قابل قبولی قلمداد می‌شود و این گزاره را به ذهن می‌آورد که این آقایان اگر هیچ کاری نکرده باشند و صرفاً جلوی گروه‌هایی که از ریشه با سینما مخالفند ایستاده باشند کار زیادی کرده‌اند.

بزرگنمایی یا لولو ساختن از افرادی که با سینما مخالفند همچنان در فضای فرهنگی ایران مدعیان و مشتریان خاص و البته کارکرد خود را دارد. می‌توان گفت این فضاسازی همچنان در فضای رسانه‌ای ایران کار می‌کند و از آن به عنوان حربه‌ای سیاسی استفاده می‌شود. حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی دولت یازدهم یکی از این افراد است.

اما در سال‌های اخیر عده‌ای از فعالان سینمایی که اتفاقاً دهه ۶۰ را درک کرده‌اند بر اینکه اساساً چنین افرادی در جمهوری اسلامی از ابتدا وجود خارجی نداشته‌اند تأکید کرده‌اند. مهدی فخیم‌زاده از سینماگرانی است که اخیراً در گفت‌وگو با فریدون جیرانی در برنامه تلویزیونی ۳۵ به این مسئله اشاره کرده است. «من از سال ۵۸ در سینما فیلم ساختم و به جرئت می‌گویم در جمهوری اسلامی هرگز بحث تعطیلی سینما نبوده و هر گروهی می‌خواست همان کاری را بکند که دوستان دهه ۶۰ کردند. آقایان انوار و بهشتی می‌گفتند عرفان وجه هنری اسلام است و آن را در سینما پیگیری کردند و گروه‌هایی با این نگاه مخالف بودند اما نهایتاً همه می‌گفتند سینما از نگاه ما خوب است.»

■ **ما را متهم به مخالفت با سینما نکنید**

در این باره اخیراً سینماگران دیگری چون بهروز افخمی و محمدحسین فرح بخش هم اظهارنظر کرده‌اند. فرح‌بخش در جایی عنوان کرده که لولوهای سینمایی ساخته و پرداخته مدیرانی چون فخرالدین انوار و بهشتی بود تا از این طریق سیاست‌های خود را پیش برند. سال گذشته در جریان مناظره‌ای که میان کیوان کثیریان و مهدی آذرپندار در شبکه خبر به عنوان نماینده دو طیف فکری در سینما انجام شد این موضوع از سوی عضو شورای مرکزی انجمن نویسندگان و منتقدان خانه سینما که بیشتر گرایشات سینمای روشنفکری و جشنواره‌ای ایران را نمایندگی می‌کند به این شکل مطرح شد که طیف فکری جبهه فرهنگی انقلاب را متهم به مخالفت با اصل سینما کرد و با پاسخ طرف مقابل مواجه شد: «جناب کثیریان ما را متهم به این نکنید که مخالف سینما هستیم. الان دیگر کسی را پیدا نمی‌کنید که از اساس مخالف سینما باشد. آقای ایوبی چندبار این جمله را گفت که مخالفان من ضد سینما هستند. فیلم «ستاره می‌شود» آقای جیرانی را خود سینمایی‌ها توقیف کردند. سؤال این است که بهرام بیضایی و خانم میلانی که موضع آنها احتمالاً با دولت مورد علاقه شما همگراتر است چرا وقتی سینما را نقد می‌کنند با اعتراض شما و دوستانتان روبه‌رو می‌شوند؟»

اشاره عضو جبهه فرهنگی انقلاب به فشارها از سوی بخش با نفوذی از سینماگران به تولیداتی بود که در آن به مناسبات غیرحرفه‌ای پشت پرده سینما انتقاد شده بود. بهرام بیضایی، فریدون جیرانی و تهمینه میلانی سه تن از فیلمسازانی هستند که در برهه‌های مختلف به دلیل بازتاب پشت صحنه سینما در آثارشان با مخالفت‌ها و گلایه‌های گسترده‌ای مواجه شدند تا حدی که برخی مهاجرت بیضایی از ایران به خارج از کشور را نیز به فضای سنگین پس از آخرین ساخته او به نام «وقتی همه خوابیم» مرتبط می‌دانند.

■ **نبرد دروغین با لشکر ضد سینمایی‌ها**

حجت‌الله ایوبی از مدیرانی محسوب می‌شود که هرازچند گاهی به ویژه وقتی فشارهای منطقی علیه عملکرد او زیاد می‌شود از همان روش قدیمی استفاده می‌کند و با طرح موضوع مخالفان اصل سینما افکار را از متن به حاشیه می‌برد. رئیس سازمان سینمایی از این شگرد خود را در مقام مظلوم قرار می‌دهد و قهرمان عرصه‌ای دشوار می‌نمایاند. گویی در جبهه‌ای سخت در حال نبرد با ارتشی از ضدسینمایی‌هاست. او چندی پیش در گفت‌وگو با فریدون جیرانی در برنامه ۳۵ از تثبیت سینما در جمهوری اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد دوره خود یاد کرد و مدعی شد عده‌ای با ارائه گزارش‌های غلط از سینما به کمیسیون فرهنگی مجلس و بخش‌های دیگر نظام ذهنیت آنها را درباره سینما خراب می‌کنند و سازمان سینمایی در این نبرد توانسته توفیق حاصل کند و با تحلیل‌های درستی که ارائه داده فضا را مدیریت کرده است.

ایوبی و همفکرانش با استفاده از این شگرد همواره حواس‌ها را از رویکردهای اشتباه و انحرافی که در پیش گرفته‌اند پرت می‌کنند. واقعیت این است مدیرانی که با وجهه روشنفکری سینما را با فلسفه و عرفان اشتباه گرفتند و متوجه جنبه سرگرمی سینما نشدند در واقع باید به عنوان مخالفان اصل سینما مورد مؤاخذه قرار گیرند. مدیریت نزدیک به یک دهه‌ای فخرالدین انوار و محمد بهشتی بر سینمای ایران زمینه رونق و رواج سینمای جشنواره‌ای را ایجاد کرد. سینمایی که مخاطب و مردم را از سالن‌ها فراری داد و سینمای ایران را به مرز ورشکستگی نزدیک کرد. مهدی فخیم‌زاده در این باره می‌گوید: «آقای بهشتی تازگی‌ها گفته؛ ما هیچ‌وقت به هیچ کس نگفتیم فلان کار را بکن، درست است ما خیلی وقت‌ها خیلی چیزها را به خیلی‌ها نمی‌گوییم ولی وقتی در خیابان بوق می‌زنیم یعنی حواست باشد! رفتار و برنامه‌ریزی‌های آن زمان من را برد به سمت فیلم «تپش» که به لعنت خدا نمی‌ارزد. به فیلم «خواستگاری» من درجه «ج» دادند و به «تپش» درجه «ب»، هیچکدام از فیلم‌های عرفانی آن سال‌ها فیلم‌های سازندگانشان نبود. امروز همه از «عقاب‌ها» می‌گویند اما یادشان رفته بعد از «عقاب‌ها» ساموئل خاچیکیان، سعید راد، بازیگر زنش و چند نفر از عواملش ممنوع‌الکار شدند. شما وقتی در یک فیلم تیغه چاقو را حذف می‌کنید فقط برای آن فیلم نیست. این خبر سریع بین سینماگران پیچید و دیگر تیغه چاقو را در سینما ممنوع کردند.

کسی تیغه چاقو در فیلمش نمی‌گذاشت. این نوعی از سانسور آن زمان بود. به فیلم «مسافران مهتاب» من درجه «د» دادند. این نازل‌ترین درجه بود و معنی‌اش این بود که حق نداری در ۱۲ مرکز استان اکران کنی، حق نداری تبلیغات تلویزیون کنی، حق نداری تبلیغات پشت ماشین کنی. هنوز مردم در خیابان من را به اسم «نمکی» صدا می‌کنند. تلویزیون سه چهار بار رایت «مسافران مهتاب» را از من خریده است. این فیلم چیزی نداشت اما آنها می‌خواستند جلوی یک تفکر را بگیرند.»

فخیم‌زاده بر این ادعا که برخی در جمهوری اسلامی با اصل سینما مخالف بودند و قصد داشتند سینما را تعطیل کنند خط بطلان می‌کشد. «من از سال ۵۸ در سینما فیلم ساختم و به جرئت می‌گویم در جمهوری اسلامی هرگز بحث تعطیلی سینما نبوده و هر گروهی می‌خواست همان کاری را کند که دوستان دهه ۶۰ کردند. آقایان انوار و بهشتی می‌گفتند عرفان وجه هنری اسلام است و آن را در سینما پیگیری کردند و گروه‌هایی با این نگاه مخالف بودند اما نهایتاً همه می‌گفتند سینما از نگاه ما خوب است. برای کنترل هنرپیشه‌ها هم رفتند سراغ ممنوع‌الکاری و با دو اهرم درجه‌بندی و ممنوع‌الکاری آدم‌ها را از سینمای سرگرم‌کننده می‌بردند به سمت سینمای آرمانی‌شان.»

نکته دیگری که بی‌اساس بودن ادعای تلاش گروه‌هایی در جمهوری اسلامی برای تعطیل کردن سینما را اثبات می‌کند سخنان فصل‌الخطاب گونه امام خمینی(ره) در اولین روز ورود به وطن در بهشت زهرا(س) است. «ما با سینما مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم» همینطور سخنان ایشان در ابتدای انقلاب پس از تماشای فیلم «گاو» که آن را نمونه یک فیلم آموزنده و فرهنگی دانسته بودند. با این همه مدیران سینمایی که همواره وجهه روشنفکرانه از خود به نمایش می‌گذارند ولی هنوز ذات سینما را که مبتنی بر سرگرمی است نشناخته‌اند همچنان گاه و بیگاه از افرادی سخن به میان می‌آورند که با اصل سینما مخالفند و احتمالاً در آینده نیز دست از این حربه بر نخواهند داشت. خدا بر درجات سیدشهیدان اهل قلم، مرتضی آوینی بیفزاید که در دهه ۶۰ اصلی‌ترین ستون علیه تفکرات انحرافی شبه‌روشنفکران سینمایی محسوب می‌شد و شفاف شدن مسائل در این دوره مرهون تفکرات اصولی اوست.

> **ایوبی از مدیرانی محسوب می‌شود که هرازچند گاهی به ویژه وقتی فشارهای منطقی علیه عملکرد او زیاد می‌شود از همان روش قدیمی استفاده می‌کند و با طرح موضوع مخالفان اصل سینما افکار را از متن به حاشیه می‌برد. رئیس سازمان سینمایی با استفاده از این شگرد خود را در مقام مظلوم قرار می‌دهد و قهرمان عرصه‌ای دشوار می‌نمایاند**

در برنامه «هفت» مطرح شد

«فروشنده» ضدخانواده است و نماینده خوبی برای ایران در اسکار نیست

مسعود فراستی در برنامه سینمایی هفت که با محوریت بررسی فیلم «فروشنده» اصغر فرهادی روی آنتن شبکه سه رفت با بیان اینکه مملکتم را تحت هیچ شرایطی نمی‌فروشم، گفت: در تمام نقدهای من چه آنجا که یک ساعت وقت داشتم و چه آنجا که ۳ دقیقه وقت داشتم یک خط را دنبال کردم. آن خط هم این است که من این مملکت را تحت هیچ شرایطی نمی‌فروشم و به مزایده نمی‌گذارم. اصول و نقدم را نیز نمی‌فروشم و با صدای بلند میان روشنفکران می‌گویم من از سال ۵۷ تا الان به صورت تئوریک طرفدار جنگ تحمیلی و مخلص رزمندگانش هستم.

این منتقد اضافه کرد: «فروشنده» در همه زمینه‌ها ماقبل بد است. در زمینه فیلمنامه هنوز فیلمنامه نیست و دو کانسپت است. در زمینه کارگردانی آن قدر بد است که اگر کسی غیر از فرهادی آن را کارگردانی کرده بود، هو می‌کردند. اشتباهات فاحشی دارد. بیش از ۴۰ جامپ کات در تئاتر داریم. دوربین به‌جای رودست، روی کول است!

وی افزود: اصل فیلمنامه که درباره تجاوز بوده اساساً حذف شده است. اساساً این ترفند فرهادی است که نمی‌تواند تعلیق یا سوسپانس ایجاد کند و لذا با حذف یک بخش اصلی، غافلگیری در بخش انتهایی فیلم ایجاد می‌کند. تعلیق کارگردان خودش را می‌طلبد.

فراستی بیان داشت: واکنش ما به مسئله فیلم اساساً «چه» هست، نه «چگونه». چه چیز اتفاق افتاده است؟ کارگردان خوشحال است که مردم پرسؤال از سالن سینما بیرون می‌آیند. پرسؤال از چه چیز؟ از جهان و قصه‌ای که برایم ساختی یا شاکله‌های داستانی که نساختی و هنوز نمی‌دانم؟ مخاطبان هنوز نمی‌دانند در حقیقت چه روی داده است. فرهادی در مصاحبه‌هایش یک جا می‌گوید تجاوز شده یک جا می‌گوید نشده و... و او از این سؤالاتی که ساخته کیف می‌کند. فراستی بیان داشت: این فیلم مشکل اصلی شخصیت دارد. در ابتدای فیلم شهاب حسینی روی پشت بام خطاب به دوستش می‌گوید این شهر را باید ویران کرد و او جواب می‌دهد این شهر یک‌بار ویران شده و بنا شده است. بهتر نمی‌شود! این شعار سیاسی است که برای دهن آن فرد نیست و بدون شخصیت پردازی از زبان او زده می‌شود! در این صورت حرف می‌شود موضع کارگردان. من می‌گویم می‌خواهی متلک بیندازی، خب بگو متلکت را اما در شخصیتت. اینجا فقط کانسپت است. فرهادی یک دکمه دارد به اسم «حریم خصوصی» و برای این دکمه می‌خواهد کت بسازد. نه قصه دارد و نه شخصیت! وقتی شهاب حسینی در ابتدای فیلم در کلاس درس درباره فیلم «گاو» حرف می‌زند و می‌گوید برخی رفته رفته گاو می‌شوند، می‌خواهد بگوید آخر فیلم خودش گاو شد؟! بعد چرا سیلی می‌زند؟ شخصیت پاره پاره است. نه تیپ است نه شخصیت. همه‌اش فرهادی است که خود را به کاراکترها سنجاق می‌کند. وی افزود: اصل مسئله فیلم چیست؟ بحث درست بعد از تجاوز است. یعنی داستان اینجاست. هیچکاک قصه‌ای دارد؛ روزی شوهری وارد خانه می‌شود می‌بیند به زنش تجاوز شده است. افسرده با هم بیرون می‌روند و زن اولین مردی را که می‌بیند می‌گوید این بوده و شوهر آن فرد را در انتقام می‌کشد! ولی فروپاشی روانی به حدی است که این فقط یک مرحم است. شب عصبی وقتی وارد خانه می‌شود و صبح از خانه بیرون می‌روند، زن مجدداً اولین مردی که می‌بیند می‌گوید این فرد بوده! یعنی فاجعه. یعنی ویرانی روانی برای این خانواده. اما این مسئله در «فروشنده» کجاست؟

فراستی در ادامه بیان داشت: در «فروشنده» نیز قصه از پلان آخر فیلم شروع می‌شود و بعد تمام می‌شود. بعد از داستان تجاوز و تعدی، رابطه بین این دو آدم مسئله است. نه پیرمرد و نه آن تئاتر مسخره. تمام درون این دو آدم مسئله است. فیلم دقیقه ۱۲۱ است که در دقیقه ۱۲۲ هم تمام می‌شود.

وی افزود: فیلمی را که روی آن شبهه داریم و جامعه و خانواده را می‌زند و این زدن برای کسب جایزه است، نباید فرستاد. ما چه فیلمی را باید به اسکار بفرستیم؟ فیلمی بفرستیم که شعار سیاسی ما را بدهد؟ فیلمی را بفرستیم که سینما باشد و در عین حال به ارزش‌های ملی و دینی ما پایبند باشد؟ تکلیف خود را مشخص کنیم. من معتقدم «فروشنده» ضدخانواده است و به نظرم فیلمی که شبهه ناک است نباید ارسال شود.

تأکید رئیس سازمان بسیج مستضعفین بر تولید سریال‌های تاریخی

سردار نقدی، رئیس سازمان بسیج از پشت صحنه سریال معمای شاه و لوکیشن‌های سریال بازدید کرد و ضمن تقدیر از سازندگان آن تأکید کرد: «معمای شاه» سریال تأثیرگذار و خوبی است و با گذشت زمان مخاطب خودش را پیدا کرده و هرچه جلوتر می‌رود مخاطب آن نیز بیشتر می‌شود.

وی با اشاره به اهمیت این سریال عنوان داشت: این سریال می‌تواند به نسل جدید واقعیت‌های دوران پهلوی را منتقل کند. مسائلی که تاکنون گفته نشده و نسل جوانان امروز کشور از آن بی‌اطلاع است. سردار نقدی با اشاره به محتوای کتاب فردوست گفت: مطمئناً شما نمی‌توانید همه فساد خاندان پهلوی را در یک اثر نمایشی به تصویر بکشید. فساد و فحشای خاندان پهلوی به حدی بوده که انسان شرمش می‌شود که آنها را بیان کند چه رسد به اینکه در سریال به آنها پرداخته شود. درباره این فساد و آنچه در دربار می‌گذشته، فردوست در کتاب خاطراتش آورده و نقل کرده است. وی در پایان اضافه کرد: باید از تولید و ساخت سریال‌های تاریخی و ارزشی حمایت شود.

همچنین در این دیدار محمدرضا ورزی، کارگردان سریال معمای شاه فعالیت‌های تیم کاری معمای شاه را از قبل از تولید تا پس از تولید تشریح کرد و پس از آن سردار نقدی از لوکیشن‌های سریال معمای شاه در شهرک غزالی بازدید کرد.

قدردانی دبیر کل اتحادیه جهانی آشوریان از رئیس رسانه ملی

نماینده آشوریان کشور در مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به رئیس سازمان صدا و سیما از پخش برنامه‌ای رادیویی که به خدمات وطن‌دوستانه زرتشتیان اشاره دارد قدردانی کرد.

یوناتن بت کلیا، نماینده آشوریان کشور در مجلس شورای اسلامی و دبیر کل اتحادیه جهانی آشوریان در نامه‌ای که برای علی عسکری ارسال کرد، پخش برنامه‌ای در شبکه رادیویی تهران را درباره دستاوردهای «کیخسرو جمشید» برای کشور، غرور آفرین و سبب دلگرمی اقلیت‌های دینی توصیف کرد.

بت کلیا در این نامه آورده است: آنچه در کمال صداقت و حفظ عدالت و حرمت شخصیتی با عمق دلبستگی به میهن‌مان ایران در این برنامه ارائه شد سبب دلگرمی و شیفتگی جوامع اقلیت‌های دینی شد. از این رو صمیمانه‌ترین سپاس‌ها را به آن مقام گرانقدر تقدیم کرده و امید است که مراتب قدردانی را از مقام محترم معاونت صدای جمهوری اسلامی، مدیریت شبکه رادیویی تهران و گردانندگان برنامه به عمل آورید که مایه سپاسگزاری است.

برنامه «گذری در تهران» که از رادیو تهران پخش شده در بررسی روند تاریخی شهر تهران، نگاهی به حضور شخصیت‌های فرهنگی اقلیت‌های مذهبی به ویژه مسیحیان آشوری و ارمنی در احداث اماکن تاریخی و مذهبی در شهر تهران و مشارکت آنان در حفظ میراث فرهنگی و تاریخی این شهر بزرگ داشته است.

«اروند» به سینماهای کشور آمد

فیلم سینمایی «اروند» که محوریت آن هشت سال دفاع مقدس است، از روز گذشته اکران خود را در سینماهای کشور آغاز کرد.

«اروند» ساخته پوریا آذربایجانی و به تهیه‌کنندگی مهدی داوری است. این نخستین بار است که پوریا آذربایجانی به عنوان کارگردان و مهدی داوری در مقام تهیه‌کننده فیلمی با محوریت شهدای غواص می‌سازند و برای دومین سال متوالی سعید آقاخانی در نقشی کاملاً جدی و غیرکمدی مقابل دوربین قرار گرفته است. اروند» داستان یونس جانباز اعصاب و روان دفاع مقدس را روایت می‌کند که ۲۷ سال پس از پایان جنگ هنوز هم با خاطره همرزمانش روزگار می‌گذراند و ناگهان در همراهی با یک گروه تفحص اتفاقات تازه‌ای در جریان سیال ذهنش وارد می‌شود. از جمله بازیگران این فیلم می‌توان به سعید آقاخانی، طناز طباطبایی، پانته آ پناهی‌ها، مهرداد صدیقیان، امید روحانی و حسین سلیمانی اشاره کرد.